

هلاک عقل به وقت اندیشیدن

یدالله رویایی

ویرایش تازه



مؤسسه انتشارات نگاه

تهران، ۱۳۹۱

رویایی، یدالله، ۱۳۱۱-

هلاک عقل به وقت اندیشیدن / یدالله رویایی.

تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۹۰.

۲۶۴ ص.

ISBN: 978-964-351-675-8

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. شعر فارسی - تاریخ و نقد. ۲. شعر سرودن. ۳. شاعران ایرانی - قرن ۱۴.

۸۱۳۹۰ ۹۸/۹ PIR۳۵۴۸/۰۰۹ ۸۱۶۱/۰۰۹

شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۷۳۲۸۱

هلاک عقل به وقت اندیشیدن

یدالله رویایی

چاپ اول: ۱۳۹۱؛ لیتوگرافی، اطلس چاپ

چاپ: دالاهو؛ شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۵۱-۶۷۵-۸

قیمت: ۸۵۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است.

* * *

مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

دفتر مرکزی: نخ. انقلاب، خ. شهدای ژاندارمری، بین خ. فخر رازی و خ. دانشگاه، پلاک ۶۳، طبقه ۵

تلفن: ۱۲-۶۶۹۷۵۷۱۱، ۸-۳۷۷-۶۶۴۸۰، ۶۶۴۶۶۹۴۰، فاکس: ۶۶۹۷۵۷۰۷

www.entesharatnegah.com info@entesharatnegah.com

Email: negahpublisher@yahoo.com

فهرست

۵	از ابتدای فکر
۷	زبان شعر
۱۱	اشاره‌ای بر زبان نیمه
۳۵	بیانیه‌ی شعر حجم (حجم‌گرایی)
۳۹	در حاشیه‌ی بیانیه‌ی شعر حجم
۴۳	گزیده‌ی حرف‌های شاعران صدر جنبش حجم
۴۵	در سال‌های شبانه
۵۱	عبور از شعر حجم
۶۵	افسانه‌ی مسئولیت
۸۱	تصویر، جایی در فرم
۹۱	تصویر و حرکت در عبور از حجم‌های خیال
۹۹	از غایت نگاه
۱۰۱	زبان شعر، جان کلام
۱۰۹	فرم و محتوا
۱۱۷	سرعت، حیات تازه‌ی تصویر
۱۲۳	منظومه در شعر امروز
۱۳۱	زبان، استعاره، سبک
۱۳۹	از بیانیه‌ی دوم شعر حجم
۱۴۵	در شعر حجم

۱۴۵	 شاعر برای تمامی مردم دنیا می‌میرد
۱۵۱	 تکوین شعر
۱۵۹	 ریخت شعر
۱۶۷	 چهل عامل زبانی
۱۸۷	 فروغ، دوام حیثیت آدمی است
۱۹۱	 چه هراسی دارد ظلمت روح (سینمای حجم)
۱۹۷	 حضور برثیه
۲۰۱	 حاشیه‌ای بر کتاب «اسلام ایرانی»
۲۱۱	 فروغ آخرین روزها
۲۱۵	 دریچه‌ای بر شعر و کار ناظم حکمت
۲۲۳	 پل والری و اشاره‌ای بر «پارک جوان»
۲۳۷	 گزارشی از فستیوال شعر یوگسلاوی
۲۴۷	 در تعاون عظیم مرگ
۲۴۹	 هوشنگ ایرانی، یک نوع بودن
۲۵۳	 ادبیات عرفانی و منجلاب صوفیسم
۲۵۵	 فهرست اعلام

از ابتدای فکر

صورت بغرنج طبع‌های من آواره در میان رابطه‌های چندگانه با جهان من است، وقتی که در طسعت اطرافم، بیدارم بیدار تغییرم، و تغییر، نمای رابطه‌هایی است که صرافت مرا در حیات پیرانم آواره می‌کند، و هر نگاه سراغ صوری ساکن را می‌گیرد، که تولدش از آن نگاه برمی‌خیزد، و جهان من در مشاهده‌هایم حضور دیگری پیدا می‌کند، او پر از مشاهده می‌شود و مشاهده بر از تصور صورت‌هایی است که اشتیاق مرا، امید و خوف مرا، تصمیم و شعر مرا به رابطه می‌گیرد، ضمیر من صرف می‌شود، و نیتم به صرف ارجاع و دعوت و درک از جا بلند می‌شود، وین گونه در تنوع اطرافم گسسته می‌شوم، با اتفاق‌های نیالوده در تنوع اطراف، من با جهان بافصل پیرانم آشنایم، با آن طبیعت بی‌تصرف منظوم، من فکر می‌کنم، و از ابتدای فکر، منظومه‌های بی‌تصرف اطراف آغاز می‌شود، وقتی به فکر می‌کنم خویش فکر می‌کنم، در حیطه‌ی تفکر انسان دیگری می‌روم که در ابتدای تفکرش انتهای فکر من ایستاده است، و از انتهای فکر من جهان‌های دلخواه آرزویی‌ام آغاز می‌شوند. کی فکر می‌شود؟ من از کدام معبر مجبور ذهن می‌گذرم، کاین گونه در مکاشفه‌ی حجم

دیوانه می‌شوم؟ ویرانه‌ی تفکر من برتر، من از کدام معماری جایی برای نشستن فرم می‌گیرم، آیا عبور ذهن من احجام را توقف می‌دهد؟ من قربانی ناگهانی نور می‌شوم، نور سترگ ناگهانی، من طعمه‌ی تبرک تاریک طور می‌شوم، پس اصل‌های من از کدام پل می‌گذرند؟ لنگرگاه حرف من کجاست، وقتی که چشم‌هایم از مکاشفه‌ی حجم بیمار می‌شوند، وقتی که ساختمان حجم‌ها چندگانه و مکرر و بسیار می‌شوند، تعدد حجم‌ها را جمع می‌کنم و متفق می‌کنم و نظام می‌دهم و در یک واحد مساریشان می‌کنم، طعمه‌ی طورم و باید حجم‌گر باشم، و تا طور طعمه‌ی من باشد حجم‌گری کورم، و در برابر مد مسری حجم‌ها را آنقدر که در نگاه بی‌نوسان مداری که می‌بردم بتوانم به این نمو زاینده‌ی رو در رو نظم بدهم، و بدین‌گونه وقتی معمار حجم هستم اشیا نیستند، اشیا بی‌رمق ناچیز، اشیا پشیز، که فراموشند و غایب، در این نوسان نظم، که نظمی بی‌نوسان است، که نظم نوسان است.